

# عُمْدَةُ السَّالِكِ وَعُدَّةُ النَّاسِكِ

تأليف:

شهاب الدين ابوالعباس أحمد بن النقيب المصري

وفات:

سال ۷۶۹ هجری قمری

ترجمه، تحقیق، تفریح أحادیث و بیان دلایل:

سید مسلم تفت دار

مدرسه امیریہ

جزیره قشم – گیاهدان

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## بَابُ التَّيْمَمِ

وَشُرُوطُ التَّيْمَمِ ثَلَاثَةٌ:

**أَحَدُهَا:** أَنْ يَقَعَ بَعْدَ دُخُولِ الْوَقْتِ<sup>۱</sup> إِنْ كَانَ لِفَرَضٍ أَوْ نَفْلِ مُؤَقَّتٍ، بَلْ يَجِبُ نَقْلُ التُّرَابِ فِي الْوَقْتِ،<sup>۲</sup> فَلَوْ تَيَمَّمَ شَاكًّا فِي الْوَقْتِ لَمْ يَصِحَّ وَإِنْ صَادَفَهُ<sup>۳</sup> وَلَوْ تَيَمَّمَ لِفَائِتَةٍ صَحْوَةً فَلَمْ يُصَلِّهَا حَتَّى حَضَرَتِ الظُّهُرُ فَلَهُ أَنْ يُصَلِّيَهَا بِهِ أَوْ فَائِتَةً أُخْرَى.<sup>۴</sup>

۱. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: وَجُعِلَتْ لِي الْأَرْضُ مَسْجِدًا وَظُهُورًا، فَأَيُّمَا رَجُلٍ مِنْ أُمَّتِي أَدْرَكَتُهُ الصَّلَاةُ فَلْيُصَلِّ. بخاری ۳۳۵

و زمین برای من محل نماز و پاک گردانده شده است پس هر فردی از امت من که وقت نماز او فرا رسید، نماز بگذارد.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: لَقَدْ أُعْطِيتُ اللَّيْلَةَ حَمْسًا، مَا أُعْطِيَهُنَّ أَحَدٌ قَبْلِي: ... وَجُعِلَتْ لِي الْأَرْضُ مَسَاجِدَ وَظُهُورًا، أَيُّنَمَا أَدْرَكَتْنِي الصَّلَاةُ تَمَسَّحْتُ وَصَلَّيْتُ. صحیح، مسند احمد ۷۰۶۸

دیشب پنج چیز به من داده شد که به احدی قبل از من داده نشده است: ... و زمین برای من مساجد و پاک قرار داده شده است. هر کجا وقت نماز فرا رسید با خاک مسح می‌کنم و نماز می‌گزارم.

لفظ **أَدْرَكَ** در دو حدیث اقتضا می‌کند که تیمم بعد از ادراک وقت باشد.

دلیل دیگر: **لِقَوْلِهِ تَعَالَى: ﴿إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ﴾** ظاهر آیه می‌رساند که از وضو و تیمم منع شده است مگر هنگام قیام به نماز. و به نماز فرض نمی‌توان قیام کرد مگر بعد از این که وقت نماز فرا برسد. اما جایز بودن وضو قبل از وقت با دلیل دیگر ثابت می‌شود و تیمم طبق ظاهر آیه باقی می‌ماند.

و شروط تیمم سه است: **یکی از آن:** آن که (تیمم) بعد از دخول وقت واقع شود اگر (تیمم) برای نماز فرض یا سنت موقت باشد. بلکه نقل خاک در وقت واجب می‌شود. پس اگر در وقت در حالت شک تیمم کرد صحیح نمی‌شود و اگر چه (تیمم) با وقت برخورد کند. و اگر چاشتگاهان برای نماز فوت شده تیمم کرد پس آن نماز را نگذارد تا این که نماز ظهر حاضر شد، اجازه دارد نماز (ظهر یا آن نماز فوت شده) یا نماز فوت شده‌ی دیگری را با آن تیمم بگذارد.

**الثَّانِي:** أَنْ يَكُونَ بِتُرَابٍ ظَاهِرٍ خَالِصٍ مُطْلَقٍ لَهُ غُبَارٌ وَلَوْ بِغُبَارِ رَمْلٍ، لَا رَمْلٍ مُتَمَحِّضٍ<sup>٦</sup> وَلَا بِتُرَابٍ مُخْتَلِطٍ بِدَقِيقٍ وَنَحْوِهِ<sup>٧</sup> وَلَا بِجِصٍّ وَسُحَاقَةٍ خَزَفٍ<sup>٨</sup> وَمُسْتَعْمَلٍ وَهُوَ مَا عَلَى الْعُضْوِ أَوْ مَا تَنَاءَرَ عَنْهُ<sup>٩</sup>.

همچنین تیمم طهارت ضرورت است و قبل از دخول وقت نماز، ضرورتی وجود ندارد.<sup>٢</sup> زیرا اگر خاک را قبل از دخول وقت بردارد قسمتی از ارکان تیمم را خارج از وقت انجام داده است.

<sup>٣</sup> در فیض و انوار آمده: زیرا شرط است که دخول وقت با علم و یا ظن صورت پذیرد.  
<sup>٤</sup> در انوار آمده: زیرا شرط این است که به نسبت نماز اراده شده، تیمم در وقت واقع شود پس اگر آن نماز نگذارد تیمم او صحیح است و اجازه دارد که نماز دیگری را جایگزین آن کند.

در روضه آمده: تعیین نماز فرض شرط نیست.  
<sup>٥</sup> ابن الرفعه در کفایه النبییه شرح التنبیه می‌نویسد: در جواز تیمم با خاک اجماع وجود دارد (اما تیمم با غیر خاک مختلف‌فیه است).

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: جُعِلَتْ لَنَا الْأَرْضُ كُلُّهَا مَسْجِدًا، وَجُعِلَ تُرَابُهَا لَنَا طَهُورًا إِذَا لَمْ نَجِدِ الْمَاءَ. مسلم ٥٢٢، صحیح ابن خزیمه ٢٦٤  
 برای ما زمین به تمامی آن، محل نماز گردانده شده و اگر آب نیافتیم خاک آن برای ما پاک گردانده شده است.

در این روایت بیان شد که زمین به تمامی آن محل نماز است یعنی پاک است اما به هنگام ذکر تیمم، تمام زمین بیان نشد بلکه فقط نام خاک برده شد پس انتقال از عام به خاص دلیل می‌دهد که تیمم فقط با خاک صحیح است نه با چیز دیگر.

**دوم:** آن که با خاکِ پاکِ خالصِ مطلقِ غباردار باشد، و اگر چه با غبارِ شن و ماسه باشد. نه شن و ماسه‌ی خالص؛ و نه با خاک مخلوط شده با آرد و مانند آن؛ و نه با گچ؛ و کوبیده شده و نرم شده‌ی سفال؛ و (خاک) مستعمل، و آن خاکی است که بر عضو است یا از عضو ریخته است.

دلیل دیگر: ﴿فَامَسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَ أَيْدِيكُمْ مِنْهُ﴾ مِنْ برای تبعیض است یعنی بعضی از خاک با عضو تماس پیدا کند و این اقتضا می‌کند با چیزی مسح نماید که غبار داشته باشد تا خاک و عضو تیمم به یکدیگر بچسبند.

دلیل دیگر: در کفایه الاخیار آمده: خداوند متعال می‌فرماید: ﴿فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا﴾  
سوره مائده، آیه ۶

﴿صَعِيدًا﴾ کلمه‌ی مجملی است زیرا به سطح زمین اطلاق می‌شود و سطح زمین خیلی چیزها را بر خود جای داده است، پس به بیان نیاز دارد. بیان آن توسط حدیث رسول الله صلی الله علیه و سلم انجام گرفته که می‌فرماید: وَجُعِلَ تُرَابُهَا لَنَا طَهُورًا إِذَا لَمْ نَجِدِ الْمَاءَ.  
مسلم ۵۲۲، صحیح ابن خزیمه ۲۶۴  
و اگر آب نیافتیم خاک آن برای ما پاک گردانده شده است.

اما این که خاک پاک باشد؛ دلیل آن فرموده‌ی خداوند متعال است: ﴿فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا﴾ سوره مائده، آیه ۶

پس با خاک پاک تیمم کنید. همچنین حدیث مسلم ۵۲۲ که در بالا گذشت.

<sup>۶</sup>. در تحفه، نهاییه و مغنی همان‌گونه که مصنف بیان کرد، آمده و افزون بر آن: [رَمْل]

که غبار نداشته باشد یا غبار داشته باشد اما به صورت بچسبند؛ جایز نمی‌شود.

<sup>۷</sup>. در النجم الوهاج آمده: زیرا مانع رسیدن خاک به عضو می‌شود.

<sup>۸</sup>. در کنز الراغبین آمده: زیرا تراب نامیده نمی‌شوند.

<sup>۹</sup>. در مغنی آمده: زیرا با آن نماز فرضی را گزارده است پس نمی‌تواند بار دوم از آن

استفاده کند.

**الْقَائِلُ:** الْعَجْزُ عَنِ اسْتِعْمَالِ الْمَاءِ، فَيَتَيَمَّمُ الْعَاجِزُ عَنِ اسْتِعْمَالِهِ<sup>۱۰</sup> عَنِ الْأَحْدَاثِ كُلِّهَا، وَيَسْتَبِيحُ بِهِ الْجُنُبُ وَالْحَائِضُ مَا يَسْتَبِيحَانِ بِالْغُسْلِ؛<sup>۱۱</sup> فَإِنْ أَحْدَثَا بَعْدَهُ حَرَّمَ مَا يَحْرُمُ بِالْحَدَثِ<sup>۱۲، ۱۳</sup>.

۱۰. عَنْ عَمْرِو بْنِ الْعَاصِ قَالَ: احْتَلَمْتُ فِي لَيْلَةٍ بَارِدَةٍ فِي غَزْوَةِ ذَاتِ السَّلَاسِلِ فَأَشْفَقْتُ إِنْ اغْتَسَلْتُ أَنْ أَهْلِكَ فَتَيَمَّمْتُ، ثُمَّ صَلَّيْتُ بِأَصْحَابِي الصُّبْحَ فَذَكَرُوا ذَلِكَ لِلنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ: «يَا عَمْرُو صَلَّيْتَ بِأَصْحَابِكَ وَأَنْتَ جُنُبٌ؟» فَأَخْبَرْتُهُ بِالَّذِي مَنَعَنِي مِنَ الْإِغْتِسَالِ وَقُلْتُ إِنِّي سَمِعْتُ اللَّهَ يَقُولُ: ﴿وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا﴾ [سوره نساء، آیه: ۲۹] فَضَحِكَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَلَمْ يَقُلْ شَيْئًا. صحيح. ابوداود ۳۳۴

عمرو بن عاص می گوید: در غزوه‌ی ذات السلاسل در یک شب سرد، جنب شدم. از جانم ترسیدم که اگر غسل بزنم شاید هلاک شوم پس تیمم نمودم. سپس به یارانم نماز صبح گزاردم. مردم کارم را به رسول الله صلی الله علیه و سلم گزارش دادند. ایشان فرمودند: ای عمرو! در حالی که جنب بودی به یارانم نماز گزاردی؟ پس به ایشان خبر دادم به آن چیزی که مانع من از غسل زدن شده بود و گفتم: من در قرآن شنیدم که الله عزوجل می فرماید: ﴿وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا﴾ [سوره نساء، آیه: ۲۹] خودکشی نکنید، بدون شک الله عزوجل به شما بسیار مهربان می باشد. پس رسول الله صلی الله علیه و سلم تبسم نمود و چیزی نگفت.

۱۱. در بعضی از نسخه‌های چاپی و شروحات چنین آمده: **وَيَكُونُ عَنِ الْأَحْدَاثِ**، اما در چاپ دار المنهاج و نسخ خطی نزد من وجود ندارد.

۱۲. قَالَ تَعَالَى: ﴿وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا﴾ سوره مائده آیه: ۶

و اگر شما مریض بودید یا در سفر یا یکی از شما از قضای حاجت آمد یا زنان را لمس نمودید و آب نیافتید پس تیمم کنید.

**سوم:** ناتوانی از استعمال آب. پس ناتوان از استعمال آب از تمام حدثها (أصغر و اکبر) تیمم می‌کند. و جنب و حائض با تیمم بر خود مباح می‌گردانند آن چیزهایی که بوسیله‌ی غسل بر خویش مباح می‌گردانند. پس اگر (شخص جنب و حائض) بعد از تیمم بی‌وضو شدند، حرام می‌شود آن چیزهایی که بر بی‌وضو حرام می‌شود.

وَلِلْعَجْرِ أَسْبَابٌ: أَحَدُهَا: فَقَدْ الْمَاءُ،<sup>۱۰</sup> فَإِنْ تَيَقَّنَ عَدَمَهُ تَيَمَّمَ بِلَا طَلَبٍ،<sup>۱۱</sup> وَإِنْ تَوَهَّمَ وَجُودَهُ وَجَبَ طَلَبُهُ<sup>۱۲</sup> مِنْ رَحْلِهِ وَرُفْقَتِهِ حَتَّى يَسْتَوْعِبَهُمْ، أَوْ لَا يَبْقَى مِنَ الْوَقْتِ إِلَّا مَا يَسَعُ الصَّلَاةَ.

عَنْ عِمْرَانَ بْنِ حُصَيْنِ الْخُرَازِيِّ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَأَى رَجُلًا مُعْتَزِلًا لَمْ يُصَلِّ فِي الْقَوْمِ، فَقَالَ: «يَا فُلَانُ مَا مَنَعَكَ أَنْ تُصَلِّيَ فِي الْقَوْمِ؟» فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ: أَصَابَتْنِي جَنَابَةٌ وَلَا مَاءَ، قَالَ: «عَلَيْكَ بِالصَّعِيدِ فَإِنَّهُ يَكْفِيكَ». بخاری ۳۴۸

رسول الله صلی الله علیه و سلم شخصی را دید که کناره گرفته و همراه جماعت نماز نگزارده است. پس فرمود: ای فلانی، چه چیزی تو را منع کرد که همراه جماعت نماز نخوانی؟ گفت: جنابت به من رسیده و آبی نیست. ایشان فرمودند: خاک پاک را بگیر که تو را کفایت می‌کند.

<sup>۱۳</sup> . در بعضی از نسخه‌های چاپی و شروحات چنین آمده: **حَرْمٌ عَلَيْهِمَا مَا يَحْرُمُ**

**بِالْحَدِيثِ الْأَصْغَرِ**، اما در چاپ دار المنهاج و نسخ خطی نزد من وجود ندارد.

<sup>۱۴</sup> . در نهاییه آمده: زیرا در کُل، تیمم طهارت مستقلی است. پس با نقض شدن آن با طهارت دیگر، لزوم پیدا نمی‌کند که حکم آن از بین برود. همان‌گونه که اگر برای جنابت غسل بزند سپس بی‌وضو شود فقط وضو لازم او می‌شود و غسل او نقض نمی‌شود و اگر چه اعضای وضو شامل اعضای غسل می‌شوند زیرا در کُل، وضو عبادت مستقلی است.

<sup>۱۵</sup> . قَالَ تَعَالَى: ﴿فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا﴾ سوره مائده آیه: ۶

آب نیافتید پس تیمم کنید.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: الصَّعِيدُ الطَّيِّبُ وَضُوءُ الْمُسْلِمِ وَلَوْ إِلَى عَشْرِ

سِنِينَ، فَإِذَا وَجَدْتَ الْمَاءَ فَأَمْسَهُ جِلْدَكَ فَإِنَّ ذَلِكَ خَيْرٌ. صحیح. ابوداود ۳۳۲

خاک پاک، وضوی مسلمان است اگر چه تا ده سال، آب را نیابد. پس هرگاه آب را یافتی

آن را به بدن خود برسان زیرا که آن بهتر است.

و برای ناتوانی اسبابی است: **یکی از آن:** نبودن آب است. پس اگر عدم آن را یقین داشت بدون طلب تیمم می‌کند. و اگر وجود آن را گمان کرد جستجوی آن از مسکن یا وسایل سفرش و همسفران یا دوستانش واجب می‌شود تا این که (جستجو از) آن‌ها را فراگیر کند یا از وقت باقی نماند مگر مقداری که گنجایش نماز دارد.

وَلَا يَجِبُ الطَّلَبُ مِنْ كُلِّ وَاحِدٍ بِعَيْنِهِ بَلْ يُنَادِي مَنْ مَعَهُ مَاءٌ وَلَوْ بِالثَّمَنِ، ثُمَّ يَنْظُرُ حَوَالِيهِ إِنْ كَانَ فِي أَرْضٍ مُسْتَوِيَةٍ، وَإِلَّا تَرَدَّدَ إِلَى حَدِّ الْغُوثِ، وَهُوَ بِحَيْثُ لَوْ اسْتَعَاثَ بِرُفْقَتِهِ مَعَ اسْتِغَالِهِمْ بِأَقْوَالِهِمْ وَأَفْعَالِهِمْ لِأَعَاثُوهُ، إِنْ لَمْ يَخَفْ ضَرَرَ نَفْسٍ أَوْ مَالٍ، أَوْ صَعِدَ جَبَلًا صَغِيرًا قَرِيبًا.<sup>۱۶</sup>

و جستجو از هر شخصی به عینش واجب نمی‌شود بلکه ندا می‌زند: چه کسی آب به همراه دارد و اگر چه به قیمت باشد. سپس اگر در زمین همواری باشد به اطرافش نظری می‌اندازد؛ و اگر نه تا حد غوث تردد می‌کند و آن (حد غوث) به گونه‌ای است که اگر از همسفرانش کمک بخواهد با وجود مشغول بودن آنان به گفتار و کردارشان به فریادش می‌رسند اگر از ضرر جانی یا مالی نمی‌ترسد؛ یا به کوه کوچک نزدیک بالا می‌رود (و از بالای کوه تا حد غوث نظر می‌اندازد).

<sup>۱۶</sup> . زیرا وقتی یقین دارد که آب وجود ندارد پس جستجو عبث می‌شود.

<sup>۱۷</sup> . امام نووی در مجموع می‌نویسد: **لِقَوْلِهِ تَعَالَى: ﴿فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا﴾** اگر آب نیافتید پس تیمم کنید. امام شافعی و اصحاب ما می‌گویند: گفته نمی‌شود: (لَمْ يَجِدْ = نیافت) مگر هنگامی که جستجو نماید و نیابد. اما کسی که طلب نکرد و نیافت گفته نمی‌شود: (لَمْ يَجِدْ). چنین از اهل لغت نقل کرده‌اند. به همین خاطر اگر به وکیلش بگوید: **اشْتَرِ لِي رُطْبًا فَإِنْ لَمْ تَجِدْ فَعِنْبًا** = برایم رطب بخر اگر نیافتی پس انگور بخر. جایز نیست که انگور بخرد مگر بعد از این که رطب را جستجو نماید.

<sup>۱۸</sup> . در مجموع آمده: منظور این نیست که از همه جهت این مسافت را ببیماید زیرا در این صورت ضرر بیش‌تری متوجه او می‌شود. بلکه به کوه کوچکی که نزدیک اوست بالا می‌رود و به اطرافش نظر می‌اندازد.

وَيَجِبُ أَنْ يَقَعَ الطَّلَبُ بَعْدَ دُخُولِ الْوَقْتِ،<sup>۱۹</sup> فَإِنْ طَلَبَ فَلَمْ يَجِدْهُ وَتَيَمَّمَ وَمَكَثَ مَوْضِعَهُ وَأَرَادَ فَرَضًا آخَرَ، فَإِنْ لَمْ يَحْدُثْ مَا يُوهِمُ مَاءً وَكَانَ تَيَقَّنَ الْعَدَمَ بِالطَّلَبِ الْأَوَّلِ تَيَمَّمَ بِلَا طَلَبٍ،<sup>۲۰</sup> وَإِنْ لَمْ يَتَيَقَّنْهُ، أَوْ وَجَدَ مَا يُوهِمُهُ كَسَحَابٍ وَرَكِبٍ وَجَبَ الطَّلَبُ الْآنَ<sup>۲۱</sup> إِلَّا مِنْ رَحْلِهِ.<sup>۲۲</sup>

و واجب می‌شود آن که طلب را بعد از دخول وقت واقع کند. پس اگر (آب) را طلب کرد و آن را نیافت و تیمم کرد و در مکانش ماند و اراده‌ی فرض دیگری کرد پس اگر بوجود نیامد چیزی که ایهام آب می‌کند و به طلب اول، یقین نبودن آب داشت بدون طلب تیمم می‌کند. و اگر یقین (نبودن آب) نداشت یا چیزی را یافت که ایهام (وجود) آب می‌کند مانند ابری و سواره‌ای، اکنون طلب (آب) واجب می‌شود مگر از مسکن یا وسایل سفرش.

وَإِنْ تَيَقَّنَ وُجُودَ الْمَاءِ عَلَى مَسَافَةٍ يَتَرَدَّدُ إِلَيْهَا الْمُسَافِرُ لِلِإِحْتِطَابِ وَالِإِحْتِشَاشِ، وَهِيَ فَوْقَ حَدِّ الْعَوْتِ؛<sup>۲۳</sup> أَوْ عَلِمَ أَنَّهُ يَصِلُهُ بِحَفْرِ قَرِيبٍ؛ وَجَبَ قَصْدُهُ، إِنْ لَمْ يَحْفَ ضَرَرًا،<sup>۲۴</sup> وَإِنْ كَانَ فَوْقَ ذَلِكَ فَلَهُ التَّيْمُّمُ،<sup>۲۵</sup> وَلَكِنْ إِنْ تَيَقَّنَ أَنَّهُ لَوْ صَبَرَ إِلَى آخِرِ الْوَقْتِ لَوَجَدَهُ<sup>۲۶</sup> فَانْتِظَارُهُ أَفْضَلُ،<sup>۲۷</sup> وَإِنْ ظَنَّ غَيْرَ ذَلِكَ<sup>۲۸</sup> فَالْأَفْضَلُ التَّيْمُّمُ أَوَّلَ الْوَقْتِ.<sup>۲۹</sup>

<sup>۱۹</sup> . در فیض آمده: زیرا طلب آب، شرط شده تا این که نبودن آب محقق گردد. و نبودن آب، شرط صحیح بودن تیمم است. و چون نبودن آب باید در وقت محقق گردد پس شرط آن - که همانا آن طلب آب است - باید به تبع آن در وقت واقع گردد.  
<sup>۲۰</sup> . زیرا وقتی یقین دارد که آبی وجود ندارد، طلب او عبث می‌گردد.  
<sup>۲۱</sup> . در فیض آمده: زیرا در چنین حالتی با مقداری جستجو امکان دارد به آب دست یابد.  
<sup>۲۲</sup> . در فتح آمده: زیرا به یقین می‌داند که در رحل او آب وجود ندارد.  
<sup>۲۳</sup> . در أسنی المطالب آمده: آن نصف فرسخ می‌شود. هر فرسخی تقریباً از پنج کیلومتر و نیم کم‌تر است.

<sup>۲۴</sup> . در النجم الوهاج آمده: لِأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ: ﴿وَمَا جَعَلْ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ

حَرَجٍ﴾ سوره حج، آیه ۷۸

و خداوند متعال برای شما در دین سختی قرار نداده است.



و اگر یقین وجود آب داشت بر مسافتی که مسافر برای هیزم‌چیدن و گیاه‌چیدن بسوی آن رفت و آمد می‌کند و آن بالای حد غوث است؛ یا می‌داند که با کمی حفاری به آب می‌رسد قصد آب واجب می‌شود اگر از ضرری نمی‌ترسد. و اگر بالای آن بود برایش تیمم رواست. اما اگر یقین داشت که اگر تا آخر وقت صبر کند آن را می‌یابد پس انتظار کشیدنش بهتر است. و اگر غیر از آن گمان برد پس تیمم در اول وقت بهتر است.

**وَلَوْ وَهَبَهُ إِنْسَانٌ مَاءً أَوْ أَفْرَضَهُ إِيَّاهُ أَوْ أَعَارَهُ دَلْوًا لَزِمَهُ الْقَبُولُ،<sup>۲۵</sup> وَإِنْ وَهَبَهُ أَوْ أَفْرَضَهُ ثَمَنُهُمَا فَلَا.<sup>۲۶</sup>**

<sup>۲۵</sup> . عَنِ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا أَنَّهُ أَقْبَلَ مِنَ الْجُرْفِ حَتَّى إِذَا كَانَ بِالْمِرْبَدِ تَيَمَّمَ فَمَسَحَ وَجْهَهُ وَيَدَيْهِ وَصَلَّى الْعَصْرَ، ثُمَّ دَخَلَ الْمَدِينَةَ وَالشَّمْسُ مُرْتَفِعَةٌ فَلَمْ يُعِدِ الصَّلَاةَ. اسناد صحیح، مسند الشافعی ۱۳۶

ابن عمر از جُرف به سمت مدینه رو کرد. وقتی که به مِرْبَد رسید تیمم کرد و صورت و دو دستش را (با خاک) مسح کرد و نماز عصر گزارد سپس داخل مدینه شد در حالی که خورشید بالا بود پس نماز را اعاده نکرد.

در النجم الوهاج آمده: ابن عمر در حالی که یقین داشت در وقت عصر به مدینه خواهد رسید و می‌دانست که آنجا آب وجود دارد، با وجود این تیمم کرد.

ابن عمر در مِرْبَد تیمم کرد اگر چه به یقین می‌دانست که در مدینه آب وجود دارد زیرا فاصله‌ی مِرْبَد تا مدینه حدود چهار کیلومتر تخمین زده می‌شود که بالای حد غوث است.

<sup>۲۶</sup> . در بعضی از نسخه‌های خطی: **وَجَدَهُ.**

<sup>۲۷</sup> . در اُسْنَى الْمَطَالِبِ آمده: زیرا وضو اصل است. همچنین فضیلت نماز با وضو در آخر وقت کامل‌تر از نماز با تیمم در اول وقت است.

<sup>۲۸</sup> . در اکثر نسخه‌های خطی و شروحات آنچه ثبت نمودیم اما در بعضی نسخ خطی و چاپ دار المنهاج و فتح المسالك چنین آمده: **وَإِنْ ظَنَّ ذَلِكَ.** که معنای آن می‌شود: اگر (وجود) آب را (در آخر وقت) گمان برد.

<sup>۲۹</sup> . در اُسْنَى الْمَطَالِبِ آمده: زیرا فضیلت اول وقت محقق است اما در پیدا شدن آب، ظن و گمان وجود دارد.

<sup>۳۰</sup> . در عجاله المحتاج آمده: زیرا عادت به آن جاری است و منت آن ناچیز است.

و اگر انسانی، آبی را به او هدیه داد یا آبی را به او به قرض داد یا دلوی را به او به عاریت داد، پذیرفتن (آن) واجب می‌شود. و اگر قیمت آب و دلو را به او هدیه داد یا به قرض داد پس نه (واجب او نمی‌شود که آن را قبول کند).

وَإِنْ وَجَدَ الْمَاءَ وَالذَّلْوُ يُبَاعَانِ بِثَمَنِ مِثْلِهِ، وَهُوَ ثَمَنُهُ فِي ذَلِكَ الْمَوْضِعِ وَذَلِكَ الْوَقْتِ لَزِمَهُ شِرَاؤُهُ، إِنْ وَجَدَ ثَمَنَهُ فَاضِلًا عَنِ دَيْنٍ وَلَوْ مُوجَّلاً وَمُؤَنَةً سَفَرِهِ ذَهَابًا وَرُجُوعًا، فَإِنْ امْتَنَعَ مِنْ بَيْعِهِ وَهُوَ مُسْتَعْنٍ عَنْهُ لَمْ يَأْخُذْهُ غَضَبًا<sup>۳۲</sup> إِلَّا لِعَطَشٍ،<sup>۳۳</sup>

و اگر آب و دلوی را یافت که به قیمت مثلش می‌فروشد و در آن مکان و در آن زمان، همین قیمتش است؛ خریداری آن بر او واجب می‌شود اگر قیمتش را زیادتز از بدهکاری (ش) بیابد و اگر چه (آن بدهکاری) مهلت‌دار و (زیادتز از) هزینه‌ی رفت و برگشت سفرش باشد. پس اگر (مالک آب) از فروش آن امتناع کرد و در حالی که او از آن آب بی‌نیاز است آن را با غصب نمی‌گیرد مگر برای تشنگی.

وَلَوْ وَجَدَ بَعْضَ مَاءٍ لَا يَكْفِي طَهَارَتَهُ لَزِمَهُ اسْتِعْمَالُهُ، ثُمَّ تَيَمَّمَ لِلْبَاقِي،<sup>۳۴</sup> فَالْمُحَدِّثُ يُطَهِّرُ وَجْهَهُ، ثُمَّ يَدِيهِ عَلَى التَّرْتِيبِ،<sup>۳۵</sup> وَالْجُنْبُ يَبْدَأُ بِمَا شَاءَ؛<sup>۳۶</sup> وَيُنْدَبُ تَقْدِيمُ أَعْلَى<sup>۳۷</sup> بَدَنِهِ.<sup>۳۸</sup>

<sup>۳۱</sup> . در تحفه و عجاله المحتاج در این باره اجماع بیان شده است. زیرا پذیرفتن پول نقد، منت بزرگی به همراه دارد.

<sup>۳۲</sup> . در النجم الوهاج آمده: زیرا امور یاد شده بدلی ندارند اما وضو بدل دارد که همانا آن تیمم است.

<sup>۳۳</sup> . زیرا حفظ روح بر حفظ مال مقدم کرده می‌شود. در أسنی المطالب آمده: به خاطر حرمت روح،

<sup>۳۴</sup> . قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: إِذَا نَهَيْتُكُمْ عَنْ شَيْءٍ فَاجْتَنِبُوهُ، وَإِذَا أَمَرْتُكُمْ بِأَمْرٍ فَأَتُوا مِنْهُ مَا اسْتَطَعْتُمْ. بخاری ۷۲۸۸

هرگاه شما را از چیزی نهی کردم از آن دوری گزینید و هرگاه شما را به کاری دستور دادم تا حد توان آن را انجام دهید.

قاعده‌ی فقهی: الْمَيْسُورُ لَا يَسْقُطُ بِالْمَعْسُورِ.

و اگر مقداری آب یافت که کفایت طهارتش نمی‌کند استعمال آن واجب او می‌شود. سپس برای باقی (اعضا) تیمم می‌کند. پس بی‌وضو چهره‌اش سپس دو دستش را به ترتیب (وضو) پاک می‌سازد. و جنب به چیزی که بخواهد، آغاز می‌کند. و جلو انداختن بالای بدنش سنت می‌شود.

**الثَّانِي: ٣٩ خَوْفٌ عَطَشٍ نَفْسِهِ وَرَفِيقِهِ ٤٠ وَحَيَوَانٍ مُحْتَرَمٍ مَعَهُ ٤١ وَلَوْ فِي الْمُسْتَقْبَلِ، ٤٢ وَيَحْرُمُ الْوُضُوءُ حِينَئِذٍ، فَيَتَزَوَّدُ لَهُ وَلِرَفِيقِهِ ٤٣ وَيَتَيْمَّمُ بِلَا إِعَادَةٍ.**

<sup>٣٥</sup> . سنت‌ها را نمی‌تواند انجام بدهد. و چون صورت اولین عضوی است که شستن آن واجب می‌شود پس از صورت آغاز می‌کند و سپس به سراغ دست‌ها می‌رود زیرا ترتیب از واجبات وضو است.

<sup>٣٦</sup> . زیرا در غسل، ترتیب واجب نیست پس آب را به هر قسمتی از بدن برساند، کفایت می‌کند.

<sup>٣٧</sup> . در بعضی از نسخه‌های خطی: **أَعَالِي**.

<sup>٣٨</sup> . زیرا در حدیث بخاری ۲۴۸ و ۲۷۲ که گذشت رسول الله صلی الله علیه و سلم ابتدا از قسمت بالای بدن، غسل را آغاز کرد.

<sup>٣٩</sup> . در بعضی از نسخه‌های چاپی و خطی و شروحات چنین آمده: **وَالسَّبَبُ الثَّانِي**، اما در چاپ دار المنهاج و بعضی از نسخ خطی نزد من وجود ندارد.

<sup>٤٠</sup> . در بعضی از نسخه‌های چاپی و شروحات چنین آمده: **وَرَفِيقَتِهِ**، اما در چاپ دار المنهاج و نسخ خطی نزد من آنچه ثبت کردیم.

<sup>٤١</sup> . در تحفه و عجاله آمده: زیرا برای روح بدلی وجود ندارد به خلاف وضو که بدل دارد و آن تیمم است.

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «أَنَّ رَجُلًا رَأَى كَلْبًا يَأْكُلُ التَّرْتِي مِنْ الْعَطَشِ، فَأَخَذَ الرَّجُلُ حُفَّهُ، فَجَعَلَ يَغْرِفُ لَهُ بِهِ حَتَّى أَرَوَاهُ، فَشَكَرَ اللَّهُ لَهُ، فَأَدْخَلَهُ الْجَنَّةَ». بخاری ۱۷۳

شخصی سگی را دید که از تشنگی خاک نمناک زمین را می‌خورد. بلافاصله آن مرد، کفش خویش را برداشت و برای سگ، شروع به پر کردن آب کرد تا این که آن را سیراب نمود. خداوند متعال به کارش پاداش خیر داد و او را به بهشت داخل گردانید.

**دوم:** بیم تشنگی خودش و همسفرش و حیوان محترمی که همراه اوست و اگر چه (ترس از امور یاد شده) در آینده باشد. در این هنگام وضو حرام می‌شود. پس آب را برای خودش و همسفرش توشه می‌گیرد و (برای نماز) تیمم می‌کند بدون تکرار (نماز).

**الثالث:** مَرَضٌ<sup>۴۴</sup> يَخَافُ مَعَهُ تَلَفَ نَفْسٍ<sup>۴۵</sup> أَوْ عَضْوٍ أَوْ فَوَاتٍ مَنفَعَةٍ عَضْوٍ أَوْ حُدُوثِ مَرَضٍ مَخُوفٍ أَوْ زِيَادَةِ مَرَضٍ أَوْ تَأْخِيرِ الْبُرِّ أَوْ شِدَّةِ أَلَمٍ أَوْ شَيْنًا فَاحِشًا فِي عَضْوٍ ظَاهِرٍ<sup>۴۶</sup> وَيَعْتَمِدُ فِيهِ مَعْرِفَتُهُ أَوْ طَبِيبًا يُقْبَلُ فِيهِ خَبْرُهُ<sup>۴۷</sup>.

اگر نجات روح حیوان چنین اجر و پاداشی را دامن می‌زند پس نجات روح انسان از باب اولی.

در فتح العزیز آمده: حیوان غیر محترم: از حیوانات: سگ هار و خوک، و از انسان‌ها: مرتد و کافر حربی.

و افزون بر آن، در روضه الطالبین آمده: و بقیه‌ی پنج حیوان فاسق (که در حدیث مسلم ۱۱۹۸ آمده: حداء: پرنده‌ی شکاری که در فارسی به آن کورکور یا موش‌گیر گفته می‌شود. کلاغ، مار، موش، سگ درنده).

و افزون بر آن در نهاییه آمده: و زناکار محسن.

<sup>۴۲</sup> . در کنز و معنی آمده: به خاطر حفظ روح از تلف شدن. در النجم الوهاج آمده: به خاطر دفع ضرری که در آینده خواهد رسید.

<sup>۴۳</sup> . در بعضی از نسخه‌های چاپی و شروحات چنین آمده: **فَيَتَزَوَّدُ لِرُفْقَتِهِ**، اما در چاپ دار المنهاج و نسخ خطی نزد من آنچه ثبت کردیم.

<sup>۴۴</sup> . در عجاله آمده: به خاطر عموم فرموده‌ی خداوند متعال: ﴿وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُم مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا﴾<sup>۴۵</sup> سوره مائده آیه: ۶

<sup>۴۵</sup> . در بعضی از نسخه‌های چاپی و شروحات «معرفه» آمده: **التَّفْسِ**، اما در چاپ دار المنهاج و نسخ خطی نزد من «نکره» آمده است.

<sup>۴۶</sup> . در نجم و کنز آمده: **عَضْوٍ ظَاهِرٍ**: آنچه هنگام کار کردن ظاهر می‌شود، مانند: صورت و دو دست.

عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ يَرْفَعُهُ فِي قَوْلِهِ: ﴿وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ﴾ [سوره نساء، آیه ۴۳] الْآيَةَ قَالَ: «إِذَا كَانَتْ بِالرَّجُلِ الْجِرَاحَةُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوِ الْقُرُوحُ أَوِ الْجُدْرِيُّ فَيَجُنُبُ فَيَخَافُ إِنْ اغْتَسَلَ أَنْ يَمُوتَ فَلْيَتَيَّمْ». در پاورقی حدیث ۲۴۲ عجاله المحتاج آمده: اسناده صحیح. در مغنی و نجم الوهاج آمده: اسناده حسن، والأصح وقفه على ابن عباس. صحیح ابن خزیمه ۲۷۲

هرگاه به شخصی در راه خدا جراحت، یا دُمَل و جوش چرکین، یا آبله بوجود آمد پس جنب شد و ترسید که اگر غسل بزند وفات یابد، باید تیمم کند.

عَنْ جَابِرٍ قَالَ: خَرَجْنَا فِي سَفَرٍ فَأَصَابَ رَجُلًا مِنَّا حَجْرٌ فَشَجَّهُ فِي رَأْسِهِ، ثُمَّ احْتَلَمَ فَسَأَلَ أَصْحَابَهُ فَقَالَ: هَلْ تَجِدُونَ لِي رُخْصَةً فِي التَّيَّمِّ؟ فَقَالُوا: مَا نَجِدُ لَكَ رُخْصَةً وَأَنْتَ تَقْدِرُ عَلَى الْمَاءِ فَاغْتَسَلَ فَمَاتَ، فَلَمَّا قَدِمْنَا عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أُخْبِرَ بِذَلِكَ فَقَالَ: «قَتَلُوهُ قَتَلَهُمُ اللَّهُ أَلَا سَأَلُوا إِذْ لَمْ يَعْلَمُوا فَإِنَّمَا شِفَاءُ الْعِيِّ السُّؤَالُ، إِنَّمَا كَانَ يَكْفِيهِ أَنْ يَتَيَّمَّ وَيَعْصِرَ - أَوْ» يَعْصِبَ «شَكَّ مُوسَى - عَلَى جُرْحِهِ خِرْقَةً، ثُمَّ يَمْسَحُ عَلَيْهَا وَيَغْسِلُ سَائِرَ جَسَدِهِ». حسن، ابوداود ۳۳۶

در سفری (از مدینه) خارج شدیم. به یکی از ما سنگی اصابت کرد و سرش را شکافت. سپس جنب شد و از یارانش پرسید و گفت: آیا در تیمم، برایم رخصتی می یابید؟ گفتند: برایت رخصتی می یابیم در حالی که بر آب توانایی داری. پس غسل زد و وفات یافت. وقتی خدمت رسول الله صلی الله علیه و سلم آمدیم به ایشان خبر داده شد. ایشان فرمودند: او را کشتند خداوند آنان را بکشد. چرا نپرسیدند آن گاه که ندانستند؟ همانا درمان عجز و ناتوانی، پرسش است. قطعا او را کفایت می کرد که تیمم کند و بر جراحتش پارچه ای ببندد سپس بر آن مسح کند و سایر بدنش را بشوید.

عَنْ عَمْرِو بْنِ الْعَاصِ قَالَ: احْتَلَمْتُ فِي لَيْلَةٍ بَارِدَةٍ فِي غَزْوَةِ ذَاتِ السَّلَاسِلِ فَأَشْفَقْتُ إِنْ اغْتَسَلْتُ أَنْ أَهْلِكَ فَتَيَّمَّمْتُ، ثُمَّ صَلَّيْتُ بِأَصْحَابِي الصُّبْحَ فَذَكَرُوا ذَلِكَ لِلنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ: «يَا عَمْرُو صَلَّيْتُ بِأَصْحَابِكَ وَأَنْتَ جُنُبٌ؟» فَأَخْبَرْتُهُ بِالَّذِي مَنَعَنِي مِنَ الْإِغْتِسَالِ وَقُلْتُ إِنِّي سَمِعْتُ اللَّهَ يَقُولُ: ﴿وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ

**سوم:** بیماری که با وجود آن از تلف جان، یا (تلف) عضو، یا از بین رفتن منفعت عضو، یا بوجود آمدن بیماری ترسناک، یا افزونی بیماری، یا تأخیر شفا، یا شدت درد، یا لکه‌ی واضحی در عضو ظاهر، می‌هراسد. و در (تشخیص) آن، به شناخت خودش یا (به) پزشکی که در آن حرفش پذیرفته می‌شود، اعتماد می‌کند.

---

اللَّهُ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا ﴿۲۹﴾ [سوره نساء، آیه: ۲۹] فَضَحِكَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَلَمْ يَقُلْ شَيْئًا. صحیح. ابوداؤد ۳۳۴

عمرو بن عاص می‌گوید: در غزوه‌ی ذات السلاسل در یک شب سرد، جنب شدم. از جانم ترسیدم که اگر غسل بزنم شاید هلاک شوم پس تیمم نمودم. سپس به یارانم نماز صبح گزاردم. مردم کارم را به رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم گزارش دادند. ایشان فرمودند: ای عمرو! در حالی که جنب بودی به یارانم نماز گزاردی؟ پس به ایشان خبر دادم به آن چیزی که مانع من از غسل زدن شده بود و گفتم: من در قرآن شنیدم که الله عزوجل می‌فرماید: ﴿وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا﴾ [سوره نساء، آیه: ۲۹] خودکشی نکنید، بدون شک الله عزوجل به شما بسیار مهربان می‌باشد. پس رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم تبسم نمود و چیزی نگفت.

<sup>۴۷</sup> . زیرا شریعت، زیر بنای استدلالات را بر علم و یقین و تخصص و تجربه قرار داده

است.